



The Requirements of the Defendant's Right to Defense; Comparison of International Documents and Iran's Legal System

Ehsan Salimi Ghalei^{1*}, Sepideh Bouzari¹, Ebrahim Malaekheh²

1. Department of Law, Faculty of Humanities, Maragheh University, East Azarbaijan, Maragheh, Iran.

2. Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The right to defend the accused and to assist him in preparing the defense against the imputed charge is one of the requirements of a fair trial. This opportunity can be justified not as a special privilege for the accused, but to create a balance between the parties. On this basis, the person who is accused should be supported by the criminal justice system in order to be able to defend himself against the accusation on an equal footing with the plaintiff. This article seeks to identify the executive mechanisms of guaranteeing the defendant's right to defense in international documents and regulations and in Iranian law.

Method: The present research has been carried out by a descriptive-analytical method and by collecting information in a library form and it tries to address the requirements of the accused's right to defense by comparing international documents and Iran's legal system.

Ethical Considerations: In this article, while respecting the authenticity of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The findings of this article show that the explanation of the charge, giving the accused a suitable deadline to prepare a defense, the right to access information and receive information are the most important guarantees of the defendant's defense rights, which are considered in both international law and Iranian law.

Conclusion: In the current system of regulations governing the right of defense, it is necessary to review the issue of granting "proportionate time to prepare defense" and provide "guarantee of legal and criminal executions to protect the right of defense".

Keywords: Equality of Arms; Accusation; Right to Defense; Fair Trial; Criminal Justice

Corresponding Author: Ehsan Salimi Ghalei; **Email:** e.salimi@maragheh.ac.ir

Received: September 06, 2023; **Accepted:** February 12, 2024; **Published Online:** March 05, 2024

Please cite this article as:

Salimi Ghalei E, Bouzari S, Malaekheh E. The Requirements of the Defendant's Right to Defense; Comparison of International Documents and Iran's Legal System. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e53.



بایسته‌های حق دفاع متهم؛ مقارنه اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران

احسان سلیمی قلعه‌ئی^{۱*}، سپیده بوذری^۱، ابراهیم ملائکه^۲

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، آذربایجان شرقی، مراغه، ایران.

۲. گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حق دفاع متهم و مساعدت به وی جهت تدارک دفاع در مقابل اتهام انتسابی از بایسته‌های دادرسی منصفانه است. این فرصت نه به عنوان امتیاز ویژه برای متهم، بلکه از باب ایجاد تعادل و توازن میان طرفین دعوا قابل توجیه است. بر این مبنا شخصی که در مظان اتهام قرار دارد، باید از حمایت دستگاه عدالت کیفری برخوردار گردد تا بتواند در جایگاهی برابر با شاکی از خود در برابر اتهام انتسابی دفاع کند. نوشتار حاضر درصدد شناسایی سازوکارهای اجرایی تضمین حق دفاع متهم در اسناد و مقرره‌های بین‌المللی و در حقوق ایران می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است و درصدد است به بایسته‌های حق دفاع متهم با رویکرد مقارنه اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران بپردازد.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله ضمن رعایت اصالت متون صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد، تفهیم اتهام، اعطای مهلت مناسب به متهم برای تدارک دفاعیه، حق دسترسی به اطلاعات و دریافت اطلاعات مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم هستند که در هم حقوق بین‌الملل و هم در حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری: در نظم کنونی مقررات ناظر بر حق دفاع، بازنگری در موضوع اعطای «مهلت متناسب برای تدارک دفاع» و تمهید «ضمانت اجرای حقوقی و کیفری برای حمایت از حق دفاع» ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: برابری سلاح‌ها؛ تفهیم اتهام؛ حق دفاع؛ دادرسی منصفانه؛ عدالت کیفری

نویسنده مسئول: احسان سلیمی قلعه‌ئی؛ پست الکترونیک: e.salimi@maragheh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Salimi Ghalei E, Bouzari S, Malaekheh E. The Requirements of the Defendant's Right to Defense; Comparison of International Documents and Iran's Legal System. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e53.

مقدمه

تحقق عدالت بیش از آنکه موکول به دادرسی باشد، به چگونگی و کیفیت دادرسی بسته است. از این رو در طول تاریخ، باورمندان به عدالت، دادرسی را برای هرچه عادلانه‌شدن به اصول فطری و بنیادین مقید نموده‌اند. یکی از این اصول، اصل برائت به معنای «حق افراد مبنی بر بی‌گناه تلقی‌شدن» است که از دیر باز در حقوق اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته است و در عصر نوین عدالت کیفری نیز در منشورات و مستندات بین‌المللی به صورت باشکوهی بازتاب یافته است. این اصل بنیادین، سنگ بنای دیگر اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری است، چه آنکه نه تنها متهمی که در پناه اصل برائت قرار دارد از اثبات بی‌گناهی خود بی‌نیاز می‌شود، بلکه فراتر از این، اصل برائت حق متهم مبنی بر دفاع را شناسایی نموده است. بر این مبنا حق دفاع عبارت است از «مجموعه تضمینات قانونی و قضایی که در سطح ملی منطقه‌ای و بین‌المللی برای افرادی که در مظان ارتکاب بزه قرار می‌گیرند، در سراسر یک رسیدگی کیفری، با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه و به دور از اشتباهات قضایی، منظور گردیده است» (۱)، به این ترتیب با به رسمیت‌شناختن حق دفاع متهم، موجبات «ترافعی‌شدن دادرسی» (ترافعی‌بودن دادرسی به این معناست که اصحاب پرونده نزد مقام قضایی به بیان مواضع خود و پاسخ به اظهارات طرف مقابل بپردازند و در خصوص موضوع اتهام انتسابی با یکدیگر احتجاج نمایند) فراهم شده است.

در فرآیند دادرسی کیفری، متهم نسبت به شاکی از جهت شرایط، ابزار و امکانات در موضع ضعف قرار دارد، چه آنکه اولاً ابتکار عمل در دست شاکی است و در هر زمان که اراده نماید می‌تواند با طرح شکایت، متهم را در هزارتوی مخوف عدالت کیفری وارد نماید؛ ثانیاً شاکی با طرح ادعای مجرمیت متهم، پیگیری موضوع را به دستگاه عدالت کیفری که دارای امکانات و ابزارهای برتر و تخصص در موضوع است، می‌سپارد؛ ثالثاً اثبات بی‌گناهی چون از مقوله امور عدمی است اگر غیر ممکن نباشد، اما دشوارتر از اثبات امور ایجابی است. بنابراین عدل و

انصاف اقتضا دارد برای رعایت و تضمین حق دفاع متهم حمایت مضاعفی از وی به عمل آید. این حمایت مضاعف در قالب «اصل برابری سلاح‌ها» شناخته شده است. این اصل از کشمکش یک نیاز و یک نفرت، یعنی «نیاز به عدالت و نفرت ناشی از بی‌عدالتی» هویدا گشته است. در اصل برابری سلاح‌ها تأکید بر آن است که نحوه برخورد با طرفین طی دادرسی یکسان باشد و هر دو شخص در طول دادرسی در موقعیت یکسانی قرار داشته باشند و این یکسانی به طور کامل در طول دادرسی تضمین گردد (۲). این اصل در واقع بیانگر دو وجه از برابری می‌باشد، علاوه بر اینکه لزوم امکانات برابر را برای شاکی و متشاکی تبیین می‌نماید، به لزوم برخورد یکسان و برابر قضات و مقامات مرجع رسیدگی با طرفین اختلاف نیز اشاره دارد. در واقع مهم‌ترین کارکرد اصل تساوی سلاح‌ها «تضمین حق دفاع» می‌باشد (۳) که این تضمین از طریق سازوکارهای مختلفی که موضوع این نوشتار است، عملیاتی می‌شود.

در زمینه موضوع مقاله، پژوهش‌هایی انجام شده است، از جمله منصور رحمدل در مقاله حقوق دفاعی متهم: مفهوم و ابعاد مختلف آخرین دفاع متهم به حقوق دفاعی متهم پرداخته است. رجب گلدوست جویباری و افشین عبداللهی در مقاله اخذ آخرین دفاع از متهم در حقوق کیفری ایران به این مهم پرداخته است. همچنین محمدمهدی ساقیان در مقاله تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله مقدماتی دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به حقوق و آزادی‌های متهم و قاسم کرباس‌فروش و اکبر وروایی در مقاله مطالعه تطبیقی حقوق دفاعی متهم در مرحله کشف جرم در ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و مجتبی فرح‌بخش در مقاله مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم به این مسأله پرداخته‌اند.

نوشتار حاضر درصدد است با تمرکز بر مقررات ناظر بر حق دفاع متهم در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی، سازوکارهای اجرایی تضمین حق دفاع متهم را مورد شناسایی قرار دهد. غایت این مقارنه، شناسایی نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی ایران در قیاس با استانداردهای دادرسی منصفانه در سطح بین‌المللی است. به طور مشخص پرسش‌های این پژوهش

که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، مطلع شود؛ ب - وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد؛ ج - بدون تأخیر غیر موجه درباره او قضاوت بشود؛ د - در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضا نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیلی تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه‌ای نخواهد داشت؛ ه - از شهودی که علیه او شهادت می‌دهند، سؤال بکند یا بخواهد که از آن‌ها سؤالاتی بشود و شهودی که به او شهادت می‌دهند با همان شرایط شهود علیه او احضار و از آن‌ها سؤال بشود؛ و - اگر زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود، نمی‌فهمد و یا نمی‌تواند به آن تکلم کند، یک مترجم مجاناً به او کمک کند؛ ز - مجبور نشود که علیه خود شهادت دهد و یا به مجرم‌بودن اعتراف نماید.»

همچنین ماده ۲۶ این میثاق مقرر داشته است: «کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند. از این لحاظ قانون باید هرگونه تبعیضی را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین بکند.»

علاوه بر این‌ها ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۱۹ اساسنامه دادگاه رواندا و ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق نیز به صورت غیر مستقیم به اصل تساوی سلاح‌ها پرداخته‌اند.

در نظام حقوقی اسلام نیز هرچند صراحتاً به اصل یا قاعده‌ای شبیه اصل برابری سلاح‌ها تصریح نشده است، لکن برابری در نظام قضایی مورد دغدغه شارع مقدس و فقیهان بوده است. به طور مشخص در نظام حقوقی اسلام، برابری در دو معیار نمود یافته است: «۱- برابری افراد در برابر قانون موجود یا اجرای

عبارتند از: بایسته‌ها و ملزومات حق دفاع متهم در نظام حقوقی ایران و نظام حقوقی بین‌الملل چیست؟ حق دفاع متهم در نظام حقوقی ایران در قیاس با استانداردهای دادرسی منصفانه بین‌المللی از چه قوت‌ها و ضعف‌هایی برخوردار است؟

روش

پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته است و درصدد است به بایسته‌های حق دفاع متهم با رویکرد مقارنه اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران بپردازد. حال به بیان موضوع بحث می‌پردازیم.

یافته‌ها

یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد، تفهیم اتهام، اعطای مهلت مناسب به متهم برای تدارک دفاعیه، حق دسترسی به اطلاعات و دریافت اطلاعات مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم هستند که در هم حقوق بین‌الملل و هم در حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بحث

۱. اصل برابری سلاح‌ها؛ خاستگاه و جایگاه در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران: اصل برابری سلاح‌ها عبارت است از اینکه «هر یک از طرف‌های دعوا باید بتواند ادعاهای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود به طور قابل توجهی در وضعیت نامناسب‌تری قرار ندهد» (۴). تساوی سلاح‌ها، در واقع «برابری امکانات طرفین رسیدگی حقوقی یا کیفری، در دفاع از خود است. طرفین دعوا باید از امکانات برابر برخوردار باشند» (۵). اصل برابری سلاح‌ها در هیچ یک از اسناد بین‌المللی به صراحت بیان نگردیده است، لکن از مفهوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی قابل برداشت است، این بند مقرر داشته است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لااقل حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت: الف - در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی

توجه قرار داده است: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.»

علاوه بر این مواد مختلف قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با تفصیل بیشتری آثار اصل را در نظام حقوقی ایران جریان داده‌اند که به مناسبت به هر یک از این مواد پرداخته خواهد شد.

۲. تفهیم اتهام به مثابه نقطه آغازین حق دفاع: یکی از حقوق بنیادین متهم، حق بر آگاه‌شدن از «ماهیت و سبب اتهام» یا همان حق متهم بر تفهیم اتهام است (۱۲). منظور از تفهیم اتهام «اعلام صریح و روشن عنوان مجرمانه‌ای است که به متهم نسبت داده می‌شود تا بدین ترتیب وی بداند که برای ارتکاب چه عملی سزاوار سرزنش و قابل تعقیب کیفری دانسته شده است» (۱۳). به عبارت دیگر تفهیم اتهام آن است که «هر متهمی از ماهیت اتهام جزایی خود قبل از شروع تحقیقات مطلع باشد تا بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه کند» (۱۴). تفهیم اتهام تنها منجر به توصیف حقوقی جرم با عبارات پیچیده و سربسته حقوقی نمی‌شود، بلکه شامل بیان ساده وقایع مربوط به جرم نیز می‌شود. با تفهیم اتهام، مشتکی‌عنه یا شخص مظنون در وضعیت حقوقی جدیدی قرار داده می‌شود و به متهم تبدیل می‌گردد. این تغییر وضعیت سرآغاز بهره‌مندی از حق‌های دفاعی می‌باشد؛ در حقیقت تفهیم اتهام دستیابی به اطلاعات را تسهیل می‌بخشد و وی را در آماده‌سازی دفاع کمک می‌کند (۱۵).

تفهیم اتهام در اسناد و مقرره‌های بین‌المللی متعددی مورد تأکید قرار گرفته است. شق «الف» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق در باب آن بیان می‌دارد: «باید سریعاً با تفصیل (با ادله) و زبانی که برای متهم قابل‌درک است به وی بیان شود.» شق «ب» بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر بیان می‌دارد: «متهمی که به وی تفهیم اتهام نشده است مبرا از هرگونه اتهام است.»

یکسان و بی تبعیض هر حکم قانونی نسبت به مصادیق موضوع آن؛ ۲- برابری احکام و قوانین نسبت به تمامی افراد به طوری که همه افراد و گروه‌های بشر مشمول قوانینی یکسان با عناوینی کلی و عام باشند و هر حکم قانونی بتواند بالقوه شامل هر فرد انسان شود» (۶).

در هر حال فقها و متفکران مسلمان نسبت به وجود برابری در قانونگذاری اسلام تردید نکرده‌اند، ادله آن‌ها برای این امر این است که اولاً عناوین و نیز اجرای احکام برای همه افراد به طور یکسان بیان گردیده است (۷)؛ ثانیاً خطاب قرآنی برای امر به اجرای حکم عام می‌باشد و در همه آن‌ها از عبارت «ایها الناس» یا «ایها الذین آمنوا» استفاده شده است (۸)؛ ثالثاً مهم‌ترین عاملی که موجب سوق به این امر می‌شود عدالت است. علت اصلی اینکه در فقه بر رفع نابرابری‌ها تأکید شده و از بروز اختلاف احتراز گردیده است طبعاً ناشی از این امر می‌باشد که نابرابری موجب سستی قانون و نقض غرض از قانونگذاری و آثار نامطلوب دیگر می‌شود (۹). جستارهای تاریخی نشان می‌دهد در شریعت اسلامی برابری افراد تنها محدود به مسطورات فقهی نبوده است، بلکه در محاکمات اسلامی نیز این مقوله به طور کامل رعایت گردیده است.

هرچند اصل برابری سلاح‌ها به صراحت در قوانین و مقرره‌های داخلی تصریح نشده است، اما به تأسی از شریعت اسلامی و مقرره‌های حقوق بشری، مفهوم و آثار آن به صورت قابل توجهی در نظام حقوقی ایران تجلی یافته است. به عنوان نمونه اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی به ترتیب با طرح «برابری حقوق شهروندان» و «حمایت قانونی برابر ایشان» مبانی اصل تساوی سلاح‌ها را اساسی‌سازی نموده‌اند. اساسی‌سازی یا اساسی‌گرایی حقوق، یک جنبش حقوقی است که از سده هجدهم میلادی به صورت نظام‌یافته و برای صیانت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین شهروندان در برابر قدرت عمومی وارد گستره حقوق شده است تا به هنجارهای عادی ارزش و اعتبار هنجار اساسی داده شود (۱۰). واردشدن یک مقوله حقوقی یا گونه‌ای از حقوق و آزادی‌های شهروندان در پهنه قانون اساسی، آن پدیده حقوقی را اساسی می‌کند (۱۱) و ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مفهوم این اصل را به شرح ذیل مورد

شق «الف» بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بیان می‌دارد: «متهم حق دارد از «ماهیت اتهام» و «دلیل و علت اتهام» آگاه گردد.»

ماهیت اتهام اشاره به ویژگی‌ها و چارچوب‌های اتهام دارد و دلیل شامل حقایقی است که جرم انتسابی بر مبنای آن شکل می‌گیرد (۱۶)، جرائمی که بر شخص متهم تفهیم می‌شود، باید هم بر قانون و هم حقایقی که بر پایه آن شکل گرفته دلالت داشته باشد (۱۷)، پس صحت دلایل مطروحه بسیار مهم می‌باشند و متهم حق دارد در برابر دفع این‌گونه دلایل مقاومت از خود نشان دهد.

در محاکمات کیفری بین‌المللی هم این حق تضمین شده است (بند ۲ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه موقت یوگسلاوی سابق، بند ۲ ماده ۱۹ دادگاه رواندا، شق «الف» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی)، اما در محاکم فوق احراز دامنه این حق و تکلیف و آثار آن کار بسیار سختی بود، چون جرائم روی داده متعدد، متفاوت و حوزه زمانی و مکانی آن هم بسیار گسترده بود و دارای شمار فراوان بزه‌دیده نیز بود. این وضعیت سبب شد که در قاعده ۶۲ آیین دادرسی و ادله اثبات دو دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا برای متهمین مهلت سی‌روزه اعتراض به عدم تفهیم اتهام در نظر گرفته شود (۱۵). در مورد زمان تفهیم اتهام میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی با اشاره به واژه «سریعاً» درصدد است نشان دهد که تفهیم اتهام بر همه امور اولویت دارد، البته کمیته حقوق بشر در نظر خود در مورد بند ۳ ماده ۱۴ بیان داشتند که این حق باید در اولین بازجویی قضایی اولیه به وی تفهیم گردد. در این مورد بند ۲ ماده ۸ با اشاره به ابلاغ «قبلی» سعی در القای این مطلب دارد که باید قبل از شروع بازجویی متهم به طور کامل تفهیم گردد.

در آیین دادرسی اسلامی، هرچند مقتضای صدور حکم و قضاوت، تحقیق از متهم و شنیدن اظهارات وی هست (۱۸)، لکن به دلیل «تک‌مرحله‌ای بودن رسیدگی» و از آن مهم‌تر «تقدم حق دسترسی به قاضی بر بازداشت یا هر محدودیت دیگر» موضوع تفهیم اتهام مطرح نشده است. بدیهی است که

این عدم طرح از باب مخالفت نبوده است، بلکه تفهیم اتهام به شیوه نوین آن به نوعی سالبه به انتفای موضوع بوده است و در همان جلسه رسیدگی موضوع اتهام به اطلاع متهم می‌رسید (۱۹). در واقع فقها در این زمینه متفق‌القول هستند که «بازجویی قاضی در حضور مدعی بعد از تحریر دعوا و دلایل اتهام صورت می‌گیرد» (۲۰). یک تفاوت این رویکرد با رویکرد نوین حقوق بین‌الملل این است که در حضور مدعی این تفهیم صورت می‌گرفت.

با مرحله‌ای شدن دادرسی‌های نوین، امروزه حق تفهیم اتهام در نگاه فقهای معاصر به طور کامل پذیرفته شده است. آیت‌... مکارم شیرازی در پاسخ به سؤالی (متن سؤال: آیا متهم نمودن فردی بدون تفهیم اتهام و عدم احضار وی به دادگاه و عدم اجازه دفاع و بازداشت با جرم نامعلوم به مدت ۲ سال و نبودن مدرک اتهام در پرونده، می‌تواند شرعی و اسلامی باشد؟) این‌گونه فتوا داده‌اند: «لازم است طبق مقررات شرع گناه متهم به او تفهیم شود و اجازه دفاع را به او بدهند و سپس بر طبق موازین عدل اسلامی و طبق آنچه در احکام مقدس فقهی آمده است، داوری شود» (۲۱).

در نظام حقوقی ایران، تفهیم اتهام به عنوان یکی از اصول حاکم بر دادرسی کیفری در اصل ۳۲ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است. این اصل مقرر نموده است: «موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود.» ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری نیز در این خصوص اشعار می‌دارد: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه ... شود.»

در ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری به صورت روشن‌تری مطرح شده، در این ماده جزئیات تفهیم اتهام مسبوق به بیان یک هشدار به متهم چنین بیان شده است: «بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد، سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند و به او اعلام می‌نماید.»

۳. ملزومات حق دفاع متهم: اصل برابری سلاح‌ها تضمین‌کننده زمان معقول برای تهیه دفاعیه و در اختیارگرفتن

امکانات دفاع است، هدف از اعمال این موارد قرارگرفتن طرف دعوا (متهم) در شرایطی مساوی با دادستان می‌باشد (۳). نکته قابل تأکید آن است که این ملزومات از بدو تعقیب تا صدور حکم محکومیت قطعی باید مورد حفاظت و حمایت قرار گیرند، لذا نباید پنداشت که اعمال این حق تنها محدود به مرحله تحقیقات مقدماتی است، بلکه جریان این حق در مرحله دادرسی و تجدید نظر هم لازم و ضروری می‌باشد. علاوه بر این نباید این حق را به متهم منحصر و مختصر کرد، بلکه این حق تنها نسبت به شخص متهم محدود نمی‌شود و وکلای مدافع هم حق استفاده از این حق را دارند.

خاستگاه مصرح اولیه و ریشه این حق در عصر نوین برگرفته از یک طرح بریتانیایی می‌باشد که در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ۱۹۵۲ اعلان گردید (۱۵)، بعد از آن در کنوانسیون‌ها و مقرره‌های بین‌المللی متعدد نیز بیان شد. به عنوان نمونه حق برخورداری از فرصت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه در شق «ب» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی این‌گونه بیان شده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود، با تساوی کامل از حداقل حق تضمین‌های ذیل برخوردار شود... ب - فرصت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع خود و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد.»

همچنین شق «ب» بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز با عبارت زیر بر تضمین این حق صحنه گذاشته است: «متهم باید فرصت و امکانات کافی برای آماده‌سازی دفاعیه خود را داشته باشد.»

این حق در سایر اسناد حقوق بشر بین‌المللی از جمله شق «ج» بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، شق ۱ بند «ه» پاراگراف ۲ قطعنامه کمیسیون آفریقایی تضمین شده است. در نظام کیفری بین‌المللی هم توجه خاصی به این حق شده است و علاوه بر شق «ب» بند ۴ ماده ۲۱ اساسنامه یوگسلاوی سابق و شق «ب» بند ۴ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه رواندا شق «د» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در این زمینه بیان می‌دارد: «فرصت کافی و امکانات لازم به او (متهم) داده شود تا دفاع خود را تدارک کند و

آزادانه و محرمانه با وکیل مدافعی که خود انتخاب می‌کند، ارتباط داشته باشد.»

۳-۱. مهلت معقول برای تهیه دفاعیه: تمهید فرصت مناسب برای تهیه دفاعیه در واقع عنصری متفاوت نسبت به داشتن حق دفاع می‌باشد، زیرا ممکن است در دادگاه به متهم حق دفاع داده شود، ولی زمان کافی برای دفاع وی نادیده انگاشته شود که این مسأله غرض و مقصود را تأمین ننموده و مصداق نقض حق دفاع می‌باشد. علاوه بر این نباید مفهوم فرصت متناسب را به زمان کافی تنزیل داد، چه آنکه زمان کافی به معنای فروکاستن موضوع به معیار کمی و عددی برای تعداد روزهایی است که متهم در اختیار دارد تا دفاع را در آن بازه زمانی تدارک ببیند، در حالی که فرصت متناسب به عنوان یک ضابطه پویا حمایت جامع‌تری از حقوق متهم به عمل می‌آورد و تمام ملاحظات و شرایط متهم برای تدارک دفاع را مورد لحاظ قرار می‌دهد. با این همه فرصت کافی برای تهیه دفاعیه را نباید به طور نامحدود پذیرفت، بلکه این امر باید هماهنگ با مقوله تسریع در رسیدگی قضایی باشد، زیرا از آنجا که وظیفه دادگاه بدوی تسریع در رسیدگی‌ها می‌باشد، قضات باید به شیوه‌ای عمل نمایند که هم دادرسی‌ها طولانی نگردند هم اخلاقی در حقوق دفاعی متهم ایجاد نشود، لذا فرصت متناسب برای تهیه دفاعیه زمان معقولی است که ضمن در نظرگرفتن تمامی جوانب پرونده با در نظرگرفتن اصل تسریع در دادرسی به متهم اعطا می‌گردد.

تعیین بازه زمانی مشخص که در آن مدت، دفاع خود را تدارک ببیند در معاهدات و اسناد بین‌المللی به چشم نمی‌خورد، بلکه عموماً موضوع به تشخیص و صلاح‌دید دادرسان واگذار شده است، چه آنکه شرایط هر پرونده و دسترسی هر متهم به ابزارهای دفاعی متفاوت از پرونده و متهم دیگر است. از همین جهت است که کمیته حقوق بشر در بند ۹ تفسیر کلی شماره ۱۳ از ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان داشته است: «زمان کافی برای تهیه دفاعیه بستگی به ماهیت و اوضاع و احوال واقعی، هر قضیه دارد، مثلاً ساده‌بودن یا پیچیده‌بودن پرونده یا نوع متهمان نیز در ارائه زمان بی‌تأثیر نخواهد بود.

حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ در این زمینه چنین بیان داشته است: «محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.»

حتی بعضاً این موضوع یعنی فرصت قضایی معقول به گونه‌ای ناصحیح در نظام حقوقی ایران بازتاب یافته است. به عنوان نمونه ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که عبارت «رسیدگی در کوتاه‌ترین مهلت ممکن» را ذکر نموده است، مقرر می‌دارد: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی‌شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.»

یک پندار ناتمام و البته رایج از این عبارت، مفهوم آن را در تسریع در فرآیند دادرسی یا به عبارتی کوتاه‌شدن فرآیند دادرسی خلاصه می‌نماید. این نگرش رسیدگی در کوتاه‌ترین مهلت ممکن را به صورت یک‌جانبه حق جامعه می‌داند و جامعه را محق می‌داند که در قبال تهدیدی که نسبت به آن صورت گرفته به سرعت واکنش نشان دهد؛ غافل از آن اصل مهلت معقول به همان اندازه که درصدد تأمین حق جامعه است، حقوق متهم را نیز دنبال می‌کند، متهم حق دارد که به سرعت و به صورت منصفانه به اتهام او رسیدگی شود. به این ترتیب در صورتی که تسریع دادرسی «دقت» را بکاهد، حقوق متهم مورد بی‌توجهی قرار گرفته و موجب نقض غرض است. از این روی به‌زعم نگارندگان آنچه که در قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده، به تبعیت از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، همان «مهلت معقول» به عنوان یکی از اصول دادرسی منصفانه است که به طور کلی بیانگر آن است که فرآیند دادرسی کیفری، ضمن تضمین دسترسی به موقع و شفاف و توأم با دقت نباید در مدت‌زمان طولانی ادامه یابد و یا اینکه در ظرف زمان کوتاهی (بدون در نظر گرفتن حقوق متهم و بزه‌دیده) به انجام رسد (۱).

همچنین اگر متهم بخواهد خود شخصاً به دفاع بپردازد یا اینکه از طریق وکیل به دفاع اقدام نماید، طبعاً زمان اعطایی باید متفاوت باشد.»

پرواضح است که عدم تعیین زمان در مقرره‌ها در راستای تأمین مصالح متهم بوده و نباید به حداقل زمان تفسیر شود، لذا «زمانی که برای تهیه دفاعیه در اختیار متهم قرار می‌گیرد، نباید محدود به مدت‌زمان کوتاه ۲۴ ساعت یا ۴۸ ساعت گردد که این محدودیت در واقع نقض حقوق متهم می‌باشد.» همچنین باید در تعیین فرصت متناسب باید به مدت‌زمان لازم برای تعیین وکیل مدافع و ارتباط وکیل با متهم قبل از برگزاری جلسه محاکمه نیز توجه نمود (۲۲). در این زمینه در اصل ۲۱ اصول بنیادین نقش وکلا تصریح شده است: «مقامات ذی‌صلاح موظف می‌باشند که تضمین نمایند که وکلا به اطلاعات، بایگانی‌ها و اسناد دسترسی مناسب داشته باشند تا بتوانند به موکلانشان «مساعادت حقوقی مؤثر» بنمایند.»

در واقع این ماده بیانگر این مطلب می‌باشد که وکیل متهم نباید سد یا مانعی در سر راهش باشد که وی را از کمک مؤثر به موکلش بازدارد. در رویه قضایی بین‌المللی هم این مسأله مورد حمایت قرار گرفته است، برای نمونه کمیته حقوق بشر در یکی از آرای خود که مربوط به پرونده اتهام قتل بود، مدت‌زمان اعطایی به وکیل جایگزین که وی تنها ۴ ساعت زمان برای تهیه شکوائیه بود را کافی ندانست و اعلام داشت که وی زمان کافی برای تهیه دفاعیه را در اختیار نداشته است (۲۳) یا همچنین در پرونده‌ای دیگر در کشور جامائیکا کمیته حقوق بشر نظر داد که ملاقات ۱۰ دقیقه‌ای متهم با وکیل جدیدش قبل از شروع جلسه دادرسی و عدم حضور وکیل قبلی در جلسات مقدماتی نقض کامل زمان متناسب برای دفاع می‌باشد (۲۴).

در نظام حقوقی ایران، فرصت قضایی جهت تدارک دفاع، موضوعی است که کمتر به صورت مستقل مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است و اغلب توأم با موضوعات دیگری نظیر حق داشتن وکیل و... بیان شده است. به طور مشخص بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ

۲-۳. تسهیلات کافی برای تهیه دفاعیه: متهم علاوه بر اینکه به فرصت مناسب برای تهیه دفاعیه نیاز دارد، نیازمند یکسری از تسهیلاتی هم هست که در آن فرصت مناسب در دفاع هرچه بهتر از خودش به کار گیرد. در واقع عدم دسترسی متهم به این تسهیلات وی را از دستیابی به یک دفاع مؤثر که منجر به یک دادرسی عادلانه خواهد شد محروم خواهد نمود. این تسهیلات در برخی محاکم کیفری بین‌المللی به موضوع «دسترسی به وکیل» و «دسترسی به مدارک» محدود گردیده است. به عنوان نمونه بند ۱ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و بند ۱ ماده ۱۹ اساسنامه دادگاه رواندا بیان می‌کند: «تسهیلات و امکانات دفاع متهم عبارت است از اینکه متهم یا وکیل مدافع وی به اسناد و مدارک و هر آنچه که برای تدارک دفاع ضروری می‌باشد، دسترسی داشته باشد.»

کمیته حقوق بشر با توسیع مصادیق تسهیلات، «فرصت انجام مکاتبه» و «ارتباط محرمانه» با وکیل که متهم برای تهیه دفاعیه بدان نیازمند است، از جمله تسهیلات دفاعی برشمرده است (۱۷)، از جمله حقوق دیگری که در اسنادی همچون راهنمای مربوط به تعیین وکیل بدان اشاره شده است، «حق دسترسی و استفاده از کتابخانه عمومی مربوط به دادگاه» می‌باشد. همچنین «استفاده از منابع مرجع و تخصصی دادگاه» نیز باید در اختیار وکیل مدافع قرار گیرد، البته زمانی که متهم شخصاً به دفاع از خود پرداخت نیز باید اینچنین تسهیلاتی برای خودش در نظر گرفت (۲۵). مهم‌ترین مصادیق تسهیلات دفاعی متهم عبارت‌اند از: «برخورداری از وکیل مدافع»، «دسترسی به اطلاعات پرونده»، «دریافت اطلاعات به زبان خود» و «حمایت دیپلماتیک».

۱-۲-۳. برخورداری از وکیل مدافع: برخورداری از وکیل یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم است؛ نکته‌ای که باید به آن اهتمام داشت، آن است که برخورداری از وکیل به دارابودن وکیل یا اخذ وکیل تسخیری خلاصه نمی‌شود، بلکه در پرتو این حق متهم باید بتواند آزادانه در هر زمان که اراده نماید، با وکیل خود ارتباط و مکاتبه داشته باشد. همچنین محرمانگی ارتباط وکیل و موکل باید حفظ شود و این رابطه باید به دور از

انظار متصدیان دستگاه عدالت کیفری و طرفین دیگر پرونده و وکلای ایشان یا دوربین‌های مداربسته باشد (Basic Principles on the Role of Lawyers-ADOPTED: 07 September 1990-BY: The Eighth United Nations Congress on the Prevention of Crime and the Treatment of Offenders, Havana, Cuba). علاوه بر این حق برخورداری و انتخاب وکیل دسترسی متهم به وکیل باید در تمام مراحل و مقاطع دادرسی حفظ شود.

اهمیت این حق به حدی است که متهم با وجود دستیابی به دیگر حقوقش منهای این حق، امکان دفاع خوب را از خود نخواهد داشت، چه آنکه دفاع فن یا هنری تخصصی است و وکیل متخصص در آن است. شق «ب» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، شق «ج» و «د» بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، شق ۱ بند «ه» پاراگراف ۲ کمیسیون آفریقایی حقوق بشر، قاعده ۹۳ مجموعه قواعد اروپایی زندان، شق «ب» بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و موارد مشابه دیگر همگی حق داشتن وکیل را به عنوان امکانات دفاعی پذیرفته‌اند که باید بدون تأخیر و سریع در اختیار متهمین قرار بگیرد.

متهمین در دستیابی به وکلا باید حق انتخاب داشته باشند و بتوانند آن شخصی را که به صلاح خود می‌دانند، انتخاب نمایند. کمیته حقوق بشر در مورد دستیابی متهمین به وکیل بیان کرده است که متهمین باید حق انتخاب وکیل داشته باشند و معتقد است که تحمیل وکیل به آن‌ها و قراردادن آن‌ها در شرایطی که انتخاب شخص یا افرادی خاص ملاک باشد، نقض حق انتخاب وکیل می‌باشد. این امر در کمیسیون حقوق بشر آمریکایی و دادگاه استراسبورگ هم تخلف محسوب گردیده است (۲۶). علاوه بر این، آنجا که عدالت اقتضا نمایند یا آن هنگام که جرم از جرائم با مجازات شدید باشد و علیرغم اینکه متهم نیاز مبرم به وکیل دارد، ولی از لحاظ مالی توانایی در اختیارگرفتن برایش مقدور نمی‌باشد، محاکم باید وکیلی حرفه‌ای را به طور رایگان در اختیار وی قرار دهند تا بتواند دفاعی مؤثر از وی به عمل آورد. در

کنوانسیون‌ها و مقرره‌های مختلف، از جمله در بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، پاراگراف ۲ کمیسیون آفریقایی حقوق بشر، قاعده ۹۳ مجموعه قواعد اروپایی زندان، بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اصل ۸ از مجموعه اصول نقش و کلا به وکیل تسخیری تصریح شده است.

در نظام حقوقی ایران، هرچند اصل حق دارابودن وکیل در اصل ۳۵ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده، لکن مطابق تبصره ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری این حق در خصوص جرائم سازمان‌یافته و جرائم امنیتی تخصیص ناروا داشته است. توضیح آنکه اطلاق قانون اساسی اقتضا داشت این حق که از جمله حقوق اساسی متهم برای تدارک دفاع از خود است، به صورت تام و تمام رعایت می‌شد، لکن قانونگذار در تبصره مذکور به وضوح خلاف قانون اساسی مقرر داشته است: «در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رییس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رییس قوه‌قضاییه اعلام می‌گردد.»

صرف نظر از نقض حق دفاعی متهم در جرائم فوق قانون آیین دادرسی کیفری در مواد ۱۹۰، ۴۱۲ و ماده ۳۴۷ به صورت قابل قبولی موارد اخذ وکیل تسخیری برای متهم را توسعه داده است.

۲-۲-۳. حق دسترسی به اطلاعات پرونده: حق دسترسی به اطلاعات پرونده به متهم این امکان را می‌دهد که از ابعاد قضیه و اتهامات انتسابی آگاه گردد و این فرصت را برای وی فراهم می‌نماید که به تنظیم مناسب‌ترین دفاعیه اقدام نماید. این حق مستلزم آن است که اطلاعات لازم که شامل اسناد، شهادت شهود، مدارک، نظرات کارشناسی و بایگانی‌ها در اختیار متهم و وکیل وی قرار گیرد تا ضمن اظهار نظر در باب صحت و سقم اسناد و امکان جرح آن‌ها و خدشه در آن‌ها را

داشته باشد و با در نظر داشتن این جزئیات دفاع دقیق‌تری را تدارک ببیند.

در خصوص دسترسی به اطلاعات صحت و سرعت دستیابی به اطلاعات هم موضوع درخور توجهی است که در بند ۲ ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی مغفول نمانده است: «علاوه بر موارد دیگری در این اساسنامه راجع به ارائه مستندات به متهم مقرر شده، دادستان باید به محض آنکه امکان‌پذیر شد، مستنداتی را که در اختیار و یا تحت کنترل خود داشته و معتقد است که مبین بی‌گناهی متهم است و یا مجرمیت وی را تخفیف می‌دهد و یا بر اعتبار مستندات بازجویی تأثیر می‌گذارد، به متهم ارائه دهد. در صورت تردید در شمول یا عدم شمول این بند اتخاذ تصمیم با دادگاه خواهد بود.»

این نظر دیوان کیفری بین‌المللی مورد تأیید کمیته حقوق بشر سازمان ملل هم می‌باشد، این نهاد در پرونده *Reid v. Jamaica* بیان داشته است: «دسترسی متهم به اطلاعات پرونده فرصتی برای متهم فراهم خواهد آورد که وی از اظهار نظرهای ثبت‌شده دادستان، مدارک مد نظر دادستان آشنا گردد و نسبت بدان‌ها اظهار نظر نمایید و به نفع خود از آن‌ها بهترین استفاده را بنماید» (۲۴).

حق دسترسی معقول به بایگانی دادستانی را هم می‌توان از تسهیلات دفاعی متهم به حساب آورد. طبیعی می‌باشد که برای ارائه دفاعی مطلوب شخص متهم و وکیل وی باید اطلاعات صریح و روشنی دریافت نمایند، اما متأسفانه در نظام داخلی اکثر کشورها به بهانه‌های همچون امنیت ملی متهمان را از دستیابی به این حقوق محروم نموده‌اند (۲۷).

در این میان نکته عجیب آنکه علیرغم اینکه نقض دسترسی متهم به اطلاعات پرونده به هر دلیلی وی را از تهیه دفاعیه مستحکم باز خواهد داشت و طبیعتاً نقض شکلی حقوق متهم می‌باشد، ولی کمیسیون اروپایی حقوق بشر معتقد است که تنها دسترسی وکیل متهم به بایگانی کافی و رعایت این حق می‌باشد (۲۸). در هر حال به نظر می‌رسد این موضوع مباحثه‌برانگیز و درخور بازنگری است.

ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری نیز این حق را مورد تصریح قرار داده است: «بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن‌گفتن به زبان فارسی نیست، مترجم مورد وثوق از بین مترجمان رسمی و در صورت عدم دسترسی به مترجم رسمی، مترجم مورد وثوق دیگری تعیین می‌کند.»

لازم به ذکر است، این موارد باید به طور رایگان در دسترس متهمین باشد. طبعاً اگر این اطلاعات با زبانی به آن‌ها منتقل گردد که قابل درک برای آن‌ها نباشد، همانند این است که اطلاعاتی به آن‌ها داده نشده است، زیرا این امر مانع تحقق حق دفاع متهم می‌باشد (۱۷). این امور برای تضمین حق برخورداری از امکانات کافی جهت تهیه دفاعیه، اصل تساوی ابزار و امکانات و حق دادرسی عادلانه لازم و ضروری است.

۳-۲-۴. حق حمایت دیپلماتیک: در هر رژیم سیاسی روابط دولت - شهروند به عنوان تابعیت شناخته می‌شود و در گستره حقوق اساسی موجد حق و تکلیف متقابل است. به واسطه این رابطه حقوقی - سیاسی است که دولت‌ها حق حمایت از افراد خود را ولو در خاک کشور دیگر همواره حفظ می‌نمایند. به این ترتیب با انتساب اتهام به تبعه کشور خارجی دولت متبوع متهم حق/ تکلیف حمایت از تبعه خود را پیدا می‌کند با به رسمیت‌شناختن این حق راه را برای دفاع از متهم توسط دولت متبوعش را فراهم خواهد آورد. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر خواهد بود که شخص متهم از نظام قانونی دولت تحت بازداشت آگاهی نداشته باشد.

بند ۱ اصل ۱۶ مجموعه اصول برای متهم این حق را شناسایی کرده تا در مورد بازداشتش اطلاع‌رسانی نماید، اما این اطلاع‌رسانی محدود به اعضای خانواده فرد بازداشت‌شده نمی‌شود و متهم می‌تواند افراد دیگری را که تصور می‌کند بتوانند او را مورد حمایت قرار دهند را برای آگاهی از وضعیت خود انتخاب کند. افرادی که تابعیت کشور دیگر را دارا می‌باشند، مقامات کنسولی بهترین حافظ منافع قانونی آن‌ها می‌باشند و آن‌ها به بهترین وجه می‌توانند استیفای حقوق قانونی دفاعی اتباع خود را تضمین نمایند. به همین دلیل در

در نظام حقوقی ایران، این حق اصولاً برای متهم به رسمیت شناخته شده است و فقط در موارد خاص و استثنایی نظیر «منافات‌داشتن با کشف حقیقت»، «امنیتی‌بودن» یا «منافی عفت‌بودن جرم» امکان سلب حق از متهم وجود دارد، ماده ۱۹۱ قانون مذکور در این زمینه مقرر می‌دارد: «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.»

۳-۲-۳. حق دریافت اطلاعات به زبان خود: متهمی که در کشور خارجی پرونده‌اش تحت رسیدگی می‌باشد یا متهمان دادگاه کیفری بین‌المللی که با زبان دادگاه آشنا نمی‌باشند یا قادر به درک آن نیستند، حق خواهند داشت که به ترجمه اطلاعات پرونده دست یابند که حداقل آن دستیابی به ترجمه شفاهی می‌باشد (۲۹). عدم دستیابی متهم به ترجمه در صورت نیاز به آن نقض حق داشتن امکانات کافی برای تهیه دفاعیه می‌باشد، به دلیل اینکه حق ترجمه اسناد در اجرای تشریفات رسیدگی امری مهم و حیاتی می‌باشد (۳۰).

همچنین لازم است تفهیم اتهام آن‌ها به زبانی صورت بگیرد که آن زبان برای متهم یا وکیل وی قابل درک باشد. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در این خصوص بیان می‌دارد: «اگر متهم زبانی را که در دادگاه تکلم می‌شود، نمی‌فهمد یا نمی‌تواند با آن تکلم کند، حق دارد که یک مترجم مجاناً به او کمک کند.»

در سیستم کیفری دادگاه‌های ویژه رواندا و یوگسلاوی سابق نیز بنا بر قاعده ۵۵ آیین دادرسی و ادله اثبات دادگاه‌های ویژه رواندا و یوگسلاوی سابق مقرر شده بود: «دادستان باید به محض بازداشت رونوشتی از اتهامات انتسابی به متهم تسلیم نماید. این اعلامیه لازم است زبانی باشد که برای متهم قابل درک باشد.»

بند ۲ همین ماده دسترسی سریع اتباع دول خارجی و افراد تحت حمایت سازمان‌ها را به نمایندگان سیاسی آن‌ها را مطرح نموده است (۳۱)، پس اتباع خارجی باید این امکان را داشته باشند که در اسرع وقت با مأموران سیاسی کشور خود مکاتبه نمایند. همچنین نامه‌ها و پیام‌های شخصی آن‌ها بدون اینکه مورد تفتیش قرار بگیرد، در اختیار مأمورین دیپلماتیک قرار بگیرد. همچنین این مأمورین هم بتوانند با فرد تحت بازداشت دیدار و گفتگو محرمانه داشته باشد. حق حمایت دیپلماتیک در ماده ۳۶ کنوانسیون وین در خصوص روابط کنسولی، قاعده ۳۸ حداقل قواعد استاندارد زندانیان، قاعده ۴۴ قواعد اروپایی زندان، ماده ۲ مجموعه رفتار مقامات اجرای قانون، ماده ۱۰ اعلامیه حقوق انسانی افرادی که جزء اتباع کشور محل سکونت خود نیستند نیز تضمین شده است.

در قانون آیین دادرسی کشور ایران حق حمایت دیپلماتیک به رسمیت شناخته شده است، تبصره ۲ ماده ۲۳۶ در این خصوص مقرر می‌دارد: «در صورت تحت تعقیب قرارگرفتن اتباع بیگانه و تقاضای آنان بازپرس مکلف است مشخصات و نوع اتهام آن‌ها را بلافاصله جهت اقدام لازم به دادستانی کل کشور اعلام نماید تا از آن طریق وفق مقررات به مراجع ذی‌ربط اعلام شود. چنانچه تعقیب این افراد منجر به محکومیت قطعی شود، قاضی اجرای احکام خلاصه‌ای از دادنامه را جهت اجرای این تبصره به دادستانی کل اعلام می‌کند. در صورت تقاضای ملاقات از سوی کنسولگری مربوط، مراتب به دادستانی کل اعلام می‌شود تا بر اساس تصمیم آن مرجع، مطابق مقررات اقدام شود.»

نتیجه‌گیری

دادرسی منصفانه جهت نیل به هدف غایی خود، یعنی استقرار عدالت، مستلزم رعایت برخی الزامات و بهره‌برداری از برخی لوازم است به طور مشخص در اختیارگذاشتن زمان یا به عبارت دقیق‌تر «اعطای فرصت مناسب» و تجهیز متهم به «تسهیلات کافی» برای دفاع از خود مهم‌ترین ملزومات حق دفاع متهم به شمار می‌روند. نتیجه و نظریه این مقاله آن است

که خوشبختانه هم در اسناد حقوق بشری بین‌المللی و هم در نظام حقوقی ایران بسیاری از لوازم و تسهیلات حق دفاع متهم نظیر «برخوردراری از وکیل مدافع»، «دسترسی به اطلاعات پرونده»، «دریافت اطلاعات به زبان خود» و «حمایت دیپلماتیک» مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. با این همه باید اذعان داشت موضوع فرصت معقول و متناسب برای تدارک دفاعیه آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است و حتی تأکید مقنن بر تسریع در رسیدگی و تعبیر قانونی «کوتاه‌ترین مهلت ممکن» در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری ممکن است موضوع فرصت مناسب برای تدارک دفاع را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین در نظام حقوقی ایران فقدان یک نص واجد ضمانت اجراهای حسب مورد حقوقی و کیفری مشخص که از فرصت مناسب متهم و تسهیلات کافی او برای تدارک دفاع حمایت نماید، احساس می‌شود.

مشارکت نویسندگان

احسان سلیمی قلعه‌ئی: نگارش مقاله، جمع‌آوری مطالب، بررسی، تحلیل و گردآوری منابع.

سپیده بوذری: تحلیل، گردآوری منابع، بازبینی، اصلاح و تکمیل.

ابراهیم ملائکه: نگارش مقاله، جمع‌آوری مطالب، بررسی، تحلیل و گردآوری منابع.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Ashuri M. The principle of acquittal and its effects in criminal matters, collection of articles. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1997. p.27, 144. [Persian]
2. Kádár H. The Principle of Equality of Arms and the Principle of Adversarial Process in the Jurisprudence of the E.C.H.R. The Effects of These Principles on the Cross-Examination of Witnesses "Studia Iurisprudentia". Studia Universitatis Babes Bolyai - Iurisprudentia. 2011; 56(4): 161-175.
3. Case of FOUCHER v. FRANCE. Application no.22209/93, european court. 1997. p.240-247.
4. Saghian MM. The Principle of Equality of Weapons in the Criminal Process (based on Iranian and French Laws). The Judiciarys Legal Journal. 2006; 70(56-57): 79-110. [Persian]
5. Safari S, Mohammadzadeh F. The principle of equality of arms in criminal matters. Judicial Journal. 2010; 83: 53-66. [Persian]
6. Islamic Encyclopaedia Foundation. Encyclopaedia of the World of Islam. Tehran :Islamic Encyclopaedia Foundation; 1996. Vol.1 p. 845. [Persian]
7. Naini M. Tanbiye al-Uma and Tanziyeh al-Mulleh. 9th ed. Tehran: Publishing House; 1999. p.69. [Persian]
8. Sayyid Qutb EH. Social Justice in Islam. Beirut: Dar al-Shorouk; 2002. p.49. [Arabic]
9. Subhani Tabrizi J. Concepts of the Qur'an in the Features of Islamic Government. Qom: Jamiat al-Mudarresin al-Hawza al-Ilmiyyah; 1984. Vol.1 p.410. [Persian]
10. Najafi Abrandabadi A. An introduction to the fundamentalization of criminal law. Tehran: Jangal Publications; 2014. p.988-998.
11. Taghizadeh J. The Issue of Constitutionalization of the Legal Order. Journal of Legal Research. 2007; 6(11): 129-162. [Persian]
12. McIntyre G. Defining Human Rights in the Arena of Intrenational Humanitarean Law: Human Right in the Jurisprodence of the ICTY. In: Intrenational Criminal Law Developments in the Case Law of the ICTY. Edited by Boas G, Schabas WA. Leiden: Brill, Nijhoff; 2003. p.193-238.
13. Khaleghi A. Criminal Procedure Code. Tehran: Shahrdanesh Publications; 2018. Vol.1 p.213.
14. Muntaser Asadi F. Right to Defense in Preliminary Investigations. Master's Thesis. Tehran: University of Tehran; 1979. p.14. [Persian]
15. Fazaeli M. Fair Trial: International Criminal Trials. Tehran: Shahr-e Danesh Publications, 2013. p.422-430. [Persian]
16. X v. Belgium, (7628/76), 9 DR 169,9 May 1977; Ofner v. Austria, 3 Yearbook 322, 19 December 1960.
17. Human Rights Committee. General Comment 13, Article 14 (Twenty-first session, 1984), Compilation of General Comments and General Recommendations Adopted by Human Rights Treaty Bodies, U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 14. 1994. Para.8, 9, 13.
18. Mousavi Ardebili SA. Jurisprudence of the Judiciary. Qom: Al-Mufid University Publishing Institution; 2002. Vol.1 p.370. [Persian]
19. Barari Larimi M, Ghabooli Durafshan SMT. The rights of the accused from a jurisprudence view. Journal of Studies in Islamic Law & Jurisprudence. 2010; 2(2): 33-51. [Persian]
20. Āmilī al-Nabaṭī al-Jizzīnī (Shahid Avval) M. Sharia lessons in the jurisprudence of the Imamiyyah. Qom: The Islamic Publishing Institution of the Qom Teachers' Group; 1989. Vol.2 p.88. [Persian]
21. Makarem Shirazi N. New polls. Edited by Aliannejad A. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publication; 2006. Vol.1 p.147. [Persian]
22. Allameh Heydar GH. The Right to Defense in International Human Rights Instruments and Afghan Laws. Law & Politics Research Journal. 2008; 10(25). p.93-124.
23. Smith v. Jamaica, Communication No.181/1988, U.N. Doc. CCPR/C/51/D/355. 1988. p.6.
24. Reid v. Jamaica, Communication No.355/1989, U.N. Doc. CCPR/C/51/D/355. 1989. p.15.
25. The Human Rights Center and the International Human Rights Law Clinic. California: University of California; 2000. p.15-30.
26. Amnesty International. Fair Trials Manual. London: Amnesty International Publications; 2014. Index Number: POL 30/002/2014 p.36. Available at: <https://www.amnesty.org/en/documents/pol30/002/2014/en/>.
27. Haase v. Federal Repoublic of Germany 12, (7412/76). 1977. 9 DR 78.
28. Ofner v. Austria, (524/59), Year book III 322. 1960. p.322. X v. Austria, D&R. 1978. p.169.
29. Harward v. Norway, Communication No. 451/1991, U.N. Doc. CCPR/C/51/D/451/1991. 1994. para.9.

30. Report on the Situation of Human Rights of a Segment of the Nicaraguan Population of Miskito Origin. OEA/Ser.L./V.II.62, doc. 10 rev. 3. 1983. part (K), para.2-4.

31. Farjiha M, Moghadasi MB. The right of the accused to inform his family members about the arrest and the place of detention. Karagah Magazine. 2011; 4(16): 19-33. [Persian]